

به نام خدا

سوالات با پاسخنامه اصول ۲ حلقه ثانیه - آقای ایروانی مدرس : ثریا اکبرادیبی -مدرسه زهرا ی اطهرس استان تهران

۱- اشکال بر تعریف مشهور از علم اصول ((علم بالقواعد الممهده لاستنباط الحكم الشرعی)) را بیان کرده و شهید

صدر چه تعریفی را ارائه می دهد؟ دواشکال متوجه این تعریف است:

۱- در این تعریف قید (ممهده) آمده است و از آن چنین فهمیده میشود که یک مسئله، زمانی اصولی میشود که قبلاً برای حکم شرعی آماده شده باشد این در حالی است که انتظار ما از تعریف این است که ضابطه ای را ارائه دهد که بخاطر آن برخی مسائل آماده شده اند و برخی خیر. (بنابر این علم اصول رشد ندارد شامل قواعد بالفعل می شود و شامل قواعد بالقوه نمی شود که در آینده شامل اصول شده است) بنابر این تعریف جامع نیست.

۲- اگر که قید ممهده را حذف کنیم و بگوییم علم اصول به قواعدی که در طریق استنباط حکم شرعی واقع می شود اشکال مهم تری وارد است و همه علوم دیگر را در بر میگیرد مانند علم لغت و ... و در تعریف داخل میشود بنابر این تعریف مانع اغیار نیست یعنی غیر را داخل تعریف می کند.

بنابر این تعریف صحیح از شهید صدر است که می فرماید: علم اصول. علم به عناصر مشترک در عملیات استنباط حکم شرعی.

۲- موضوع علم اصول در نظر متقدین چیست؟ اعتراض وارد بر آنها را تبیین کنید؟

ادله اربعه (کتاب - سنت - اجماع - عقل)

اعتراض: این موضوع جامع موضوعات مسائل نیست مثلاً در مبحث ملازمات عقلیه از ادله اربعه بحث نمی شود بلکه از حکم بحث می شود و یا خبر واحد از سنت نیست بلکه از سنت خبر می دهد. مباحث اصول علمیه از ادله اربعه نیست بلکه شک در تکلیف است.

بهترین تعریف نظر شهید صدراست می فرماید: موضوع علم اصول ادله است یعنی هر چیزی که صلاحیت دلیل و عنصر مشترک در استنباط را داشته باشد.

۳- ارتباط علم اصول با فقه به ارتباط منطقی با همه استدلال ها تشبیه شده استدلیل این تشبیه را بیان کنید؟

ج: همانطور که منطق، عناصر مشترک مورد نیاز برای استدلال را به صورت عام در همه علوم فراهم می کند علم اصول نیز عناصر مشترک مورد نیاز برای استدلال در ابواب مختلف فقهی را فراهم می آورد.

۴- حکم شرعی را تعریف کرده مراد از مبادی حکم تکلیفی را تبیین کنید؟ حکم شرعی، تشریع صادر از خداوند برای تنظیم زندگی انسان ها هست. ملاک و اراده مبادی حکم هستند منظور از ملاک یعنی مصلحتی که در فعل است مراد از اراده وقتی مولا مصلحت(ملاک) را در فعل می بیند آن را درک می کند و فعل را از مکلف طلب می کند.

۵- قیل ان الوصفی منتزع دائماً من التکلیفی ولیس به واقع سوی الانتزاع عبارت را توضیح دهید؟ اینکه گروهی میگویند دائماً حکم وضعی از تکلیفی گرفته شده یعنی اول حکم تکلیفی بود مثل نماز بعد حکم وضعی مثل جزئییت سوره بوجود آمد. این نظر رد شده (کلمه دائماً غلط است باید می گفت گاهی) زیرا بسیار اتفاق افتاده که حکم وضعی اول موجود می شود بعد حکم تکلیفی بوجود می آید. یعنی اول زوجیت است بعد وجوب اتفاق تکلیفی میاید. بنابراین گاهی اول تکلیفی می آید و بعد

۶- اقسام اباحه را نام برده و توضیح دهید.

الف- اباحه به معنای اخص: یکی از احکام خمسسه است که فعل و ترک آن در نزد مولی مساوی است.

ب- اباحه به معنای اعم: هر فعلی که در آن عدم الزام است. شامل (مکروه-مستحب-اباحه به معنای اخص)

اباحه اقتضایی: در آن فعل ملاک وجود دارد اما مکلف در آن آزادی دارد انجام دهد یا ترک کند. (مستحب و کراهت)

اباحه لا اقتضایی: در آن فعل ملاکی وجود ندارد عدم التزام به فعل و ترک (مباح)

۷- مراد از حکم واقعی و ظاهری چیست؟ چرا قابل اجتماع در یک واقعه هستند؟

حکم واقعی؛ هر حکمی که در موضوع آن شک در حکم شرعی سابق بر آن فرض نشده است.

حکم ظاهری؛ هر حکمی که در موضوع سابق بر آن فرض شده است.

هر دو نام در یک واقعه قابل اجتماع هستند چون حکم ظاهری از حیث رتبه متاخر از حکم واقعی است و بعد از شک در حکم واقعی یک چیزی حکم ظاهری فرض می شود لذا استحاله ایی ندارد مثل شرب توتون در واقع حکم آن حرمت است ولی چون نمی دانیم حکم ظاهری حلیت بر آن جعل می شود.

۸- قضیه حقیقه و خارجییه را در قالب مثال توضیح دهید؟ خداوند گاهی حکم خود را جعل می کند و می فرماید: اکرم

کل عالم : به تعداد عالم ما حکم اکرام داریم هرگاه افراد جدید یافت شوند اکرام شامل همه افرادی شود

گاهی می فرماید: اکرام هؤلاء العلماء الموجودین : حکم فقط شامل افراد محدودی که به آن حکم اشاره کرده است

۹-مراد از کاشفیت و محرکیت و حجیت برای قطع چیست؟۱- کاشفیت عین حقیقت قطع است و کسی که قطع دارد واقع برای او منکشف است **۲-محرکیت:** کسی که قطع دارد طبق آن عمل کند مثلاً تشنه وقتی قطع ب وجود آب در مکانی دارد به سمت آن می رود. **۳-مراد از حجیت:** یعنی منجزیت و معذرت یعنی استحقاق عقاب در صورت مخالفت و عدم استحقاق عقاب در صورت موافقت.

۱۰-مراد از معذرت و منجزیت قطع را بیان کرده و دلیل معذرت قطع از نظر شهید صدر چیست؟

منجزیت یعنی استحقاق عقاب مکلف در صورت مخالفت (یعنی وقتی مکلف علم به وجود تکلیف پیدا کرد حکم در حق او منجز و فعلیت می یابد

معذرت: عدم استحقاق عقاب در صورتی که شخص خطا کند (مکلف علم و قطع به عدم تکلیف دارد)

دلیل: وقتی حق طاعة برای مولی ثابت است که مختص موارد احتمال_ظن و قطع به تکلیف است و شامل قطع به عدم تکلیف نیست، زیرا در صورت قطع مکلف به عدم تکلیف، تحریک او ممکن نیست لذا مبنایی برای ثبوت حق طاعة نیست.

۱۱-متجری کیست و حکم آنرا باتوجه به دائره حق الطاعت بررسی کنید؟ اگر مکلف قطع به تکلیف داشته و با تکلیف مخالفت کند و در واقع آن تکلیف ثابت نبوده باشد در این صورت مکلف متجری است به طور مثال مکلف قطع دارد این مایع شراب است و می نوشد آن را اما در واقع آب بوده که نوشیده و او جرات بر مخالفت کرده

حکم: اگر دائره حق الطاعت را مختص به حالت انکشاف مصیب (بر خوردن) بدانیم چون معصیت نکرده آنچه را که خورده بود آب بوده متجری مستحق عقاب نیست.

شهید صدر می گویند: اگر دائره حق الطاعت را اعم از مصیب و غیر مصیب بدانیم اگر چه غیر معصیت بوده و آنچه را خورده آب است اما جرات کرده و حرمت مولی را حفظ نکرده بنابراین متجری مستحق عقاب است .

۱۲-چرا ترخیص در قطع حتی از جانب مولی مستحیل است؟ ترخیص در قطع محال است زیرا اگر ترخیص واقعی باشد از طرفی به تکلیف واقعی هم قطع داریم پس لازم است که اجتماع دو حکم متضاد باشد که این محال است ولی اگر ترخیص ظاهری باشد این هم محال است چون جعل ترخیص ظاهری، در صورتی ممکن است که در حکم واقعی شک وجود داشته باشد و حال آن که در این جا قطع به تکلیف داریم .

۱۳- علم اجمالی را به همراه مثالی تعریف کرده و بنویسید چرا عقلا ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی امکان

دارد؟ قطع گاهی به دو شی یا بیشتر تعلق می گیرد و به صورت غیر معین است. مثلا علم داریم به نجاست یکی از دو ظرف، ولی نمی دانیم کدام ظرف نجس است به نظر شهید صدر چنین ترخیصی امکان عقلی دارد زیرا:

اولا: شک در همه اطراف علم اجمالی موجود است (ظرف الف یا ب نجس است؟ نمی دانم)

ثانیا: ترخیص ظاهری هم در جانب شک ممکن است (چون هر طرف را نمی دانم ترخیص و برانت جاری می شود)

شارع می تواند در همه اطراف علم اجمالی ترخیص ظاهری صادر کند و شارع در علم تفضیلی نمی تواند ترخیص دهد و منجزیت علم اجمالی متعلق بع عدم ترخیص از جانب شارع است پس امکان ترخیص ظاهری است اما این امکان عقلی است و در واقع امکان ندارد چون ترخیص در هر دو طرف منجر به مخالفت قضیه می شود..

۱۴- قطع موضوعی قطع موضوعی و طریقی را همراه مثال توضیح داده قطع نسبت به جواز اسناد حکم شرعی به مولی از کدام قسم است؟

الخمر حرام: قطع مکلف به حکم موجب کشف حکم می شود حرمت بر ذات خبر جعل شده است وقتی مکلف به این جعل شارع علم و قطع پیدا کند آن حکم برایش کشف و روشن می شود. این قطع طریقی است. زیرا این قطع طریقی و راهی است برای کشف واقع (مکلف چه بداند چه نداند ذات خبر حرام است قطع او کشف آن حکم را می کند) قطع او کاشفیت دارد

الخمر المعلوم حرام: در اینجا شارع حکم حرمت را برای خبر مقطوع و معلوم جعل کرده است. یعنی اگر او علم به خمر پیدا نکند خمر برای او حرام نیست. بنابراین قطع و علم مکلف دخیل در حکم است. یعنی قطع او مولد حکم است (خمری حرام است که مکلف به آن علم پیدا کند شارع علم مکلف را دخیل در حکم دانسته است)

بنابراین قطع نسبت به جواز اسناد حکم شرعی به مولی از نوع قطع موضوعی است. یعنی در صورتی می توانیم حکم را به مولی نسبت دهیم که به آن حکم قطع و علم داشته باشیم.

۱۵- دلیل شهید صدر بر (ان الاصل عند الشک فی الحجیته یقتضی عدم الحجیته) رابه تفصیل توضیح دهید؟ اماره ظنی که حجیت آن مشکوک است از دو حال خارج نیست:

۱. یا بر نفی تکلیف دلالت دارد.
 ۲. یا ثبوت بر تکلیف (در مقابل اصل برائت که نفی تکلیف می کند)
- بنابراین در صورت اول: لازم است به حکم عقل که به منجزیت احتمال مقتضی است اخذ شود و جایز نیست به حجیت اماره مشکوک که از حکم عقل رفع ید می کند.
- در صورت دوم: نمی توان در مقابل اصل برائت که نافی تکلیف است و حجیت آن ثابت شده است به وسیله اماره مشکوک که حجیت آن مشکوک است. اصل مومن مرجع است در صورت شک در حجیت یک اماره باید بگوییم اصل اولی عدم حجیت اماره مشکوک است.

۱۶- خلاصه بحث

الف) اگر دلیل محرز قطعی بر نفی تکلیف بیاید.

۱. مسلک مختار (مصنف) می گوید: با وجود قطع شکی نیست؛ پس موضوعی که برای قاعده احتیاط عقلی باقی نمی ماند
۲. مسلک مشهور می گوید: معذرت حاصل از برائت عقلی به سبب قطع به عدم تکلیف تاکید می یابد. (عقل او می گفت تکلیف نیست الان دلیل محرز گفته نفی تکلیف پس حکم عقل او با دلیل محرز تاکید شد)

ب) دلیل محرز قطعی بر اثبات تکلیف داریم.

۱. مسلک مختار (مصنف) می گوید: منجزیت قطع اقوی از منجزیت احتمال است، پس منجزیت تاکید می یابد. (عقل او می گفت تکلیف داری حال دلیل محرز هم آمده گفته اثبات تکلیف پس حکم عقل او تاکید شد)
۲. مسلک مشهور می گوید: با وجود قطع شکی نیست، پس موضوعی برای قاعده برائت عقلی باقی نمی ماند. (عقل او می گفت تکلیف نداری حالا دلیل محرز گفته تو تکلیف داری پس باید از حکم عقل خود دست بردارد (رفع ید کند)).

(ج) اماره با اصل عملی حکم به عدم تکلیف می کند.

۱. مسلک مختار (مصنف) می گوید : با وجود ترخیص ظاهری، موضوعی برای قاعده احتیاط عقلی باقی نمی ماند. (چون اصل عملی مثل حدیث رفع که دلیل شرعی است وقتی میگوید تو تکلیف نداری بنابراین از حکم عقل خود رفع ید می کند و دست برمی دارد)
۲. مسلک مشهور می گوید چون عقل و شرع حکم به برائت می کنند: (عقل او می گفت تکلیف نداری الان شرع (اصل و اماره) می گوید تو تکلیف نداری پس قبح عقاب بلا بیان تاکید می یابد.

(د) اماره با اصل عملی اثبات تکلیف می کند.

۱. مسلک مختار (مصنف) می گوید : عقل و شرع حکم به احتیاط می کنند؛ پس احتیاط تاکید می یابد. (عقل او می گفت باید احتیاط کند الان اماره و اصل که حکم شرعی است می گوید تو تکلیف داری پس حکم عقل او تاکید می شود)
۲. مسلک مشهور می گوید: عقل به برائت و شرع به احتیاط حکم می کند. در اینجا مشهور از حکم عقل خود دست برمی دارد با اینکه او معتقد بود فقط دلیل محرز بیاید و تکالیف معلومه دست برمیدارم حال در اینجا با وجود اصل و اماره ظنی هست از حکم عقل خود دست برنی دارد باید این عمل خود را توجیه و تفسیر کند. (منجزیت غیر قطع محتاج تفسیر است).

۱۷- در حالت متصور در (لوازم غیر شرعی اماره) رابه همراه مثال تبیین کرده و چرا لوازم غیر شرعی اماره حجت

هستند؟ برای لوازم امارات دو حالت متصور است یابه این نحوه که دلیل حجیت اماره، شامل لوازم هم می شود مانند: حجیت خبر ثقه. اینکه اخبار از شی نیز هست (وقتی خبر ثقه دلالت مطابق خبر داد، از دلالت التزامی هم خبر می دهد). اما گاهی حجیت برای دلالت مطابق است نه التزامی. مثل: حجیت ظهور. مولی مطابق ظهور را حجت کرده، التزامی آن را حجت نکرده (عرف ظهور التزامی را صادق نمی داند). شهید صدر می فرمایند: درجه کشف مدلول مطابقی و التزامی واحد است. پس لازم می آید که مدلول التزامی نیز حجت باشد.

۱۸- با توجه به عبارت "ان الالتزامیه حیث انها متفرقه علی المطابقیه فی اصل وجودها فیلزم تفرعها فی الحجیه ایضاً" استدلال قائلین به تبئیت مدلول التزامی مطابقی را تقریب نموده و نقد شهید صدر بر آن را بنویسید.

دلالت التزامی از آن جهت که وجودش متوقف بر دلالت مطابقی است، حجیتش هم باید متوقف بر حجیت دلالت مطابقی باشد؛ لذا با سقوط حجیت دلالت مطابقی، حجیت دلالت التزامی ساقط می شود.

رد استدلال: توقف و تفرع در وجود ملازم تفرع در حجیت نیست. کاشفیت دلالت مطابقی از متعلقش مستقل از کاشفیت دلالت التزامی از متعلقش است اگر یکی از این کاشف ها از حجیت ساقط شود دلیلی ندارد. دیگری هم از حجیت ساقط شود.

۱۹- در وجه تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی گفته شده: "ان کلامنا و ان کان عن اللازم الا انه یمكن ان یدعی ان کل ما یسمی باللازم الا هم هو لازم مساو" این وجه را با ذکر مثال توضیح دهید؟ هر لازم اعمی که به تبع مدلول مطابقی فهمیده میشود. لازم مساوی آن است (لازم = دلالت التزامی) لذا با سقوط مدلول مطابقی و حجیت آن لازم هم از حیث وجود و حجیت ساقط می شود. مثلاً کسی که خبر از داخل شدن زید در آتش را می دهد خبر از مطلق مرگ او داده ولو به سم را خبر نمی دهد بلکه خبر از مرگ او ناشی از داخل شدن زید در آتش را خبر می دهد. لذا اگر خبر داخل شدن زید در آتش کذب و دروغ باشد بنابراین مرگ ناشی از آتش هم کذب خواهد بود.

۲۰- تفصیل عبارت (قد فصل بین ما اذا نعم من الدلیل این ذکر القطع الخصوصیه له بل کمثال الحجیه و بین ما اذا فهم ان ذکره هو من باب الخصویه ای لکونه کاشفا تاما) را تبیین کرده با توجه به تفصیل ، حکم قیام اماره مقام قطع موضوعی را با دلیل بنویسید؟ ما از دلیلی که قطع به عنوان مثال برای حجیت بوده است شارع را به عنوان مثال بیان کرده ملکف به هر طریقی چه خودش قطع پیدا کند چه اماره بگوید در این صورت اماره می تواند جانشین قطع شود زیرا اماره حقیقه فردی از افراد حجه است اما اگر از دلیل بفهم که عنوان قطع ، منظور کاشفیت تام صد در صد است این دخیل در موضوع است. اگر اماره بیاید نمی تواند جانشین قطع موضوعی شود زیرا اماره فردی از قطع نیست. بله اگر بگوئیم شارع اماره را نازل منزله قطع قرار داده مطلب فرق دارد اما در اینجا بحث فرق دارد

۲۱- آیا به وسیله اماره می توانیم حکم را به شارع نسبت داد؟ در اسناد دادن حکم به شارع اگر قطع را در نظر بگیریم قطع موضوعی جایز است. اما اگر با اماره می توان حکم را به شارع نسبت داد بحث ما به بالا برمی گردد. آیا منظور شارع قطع بما هو مثال (می توان به وسیله اماره حکم به شارع نسبت داد) است قطع با هو قطع صد در صد (نمی توان حکم را به شارع نسبت داد چون اماره کاشف تام صد در صد نیست) کاشف تام

سوالات تستی

۱- کدام گزینه بیانگر مرحله ملاک از مراحل حکم تکلیفی است؟ مصلحت .

۲- نظر شهید صدر پیرامون حجیت لوازم اماره چیست؟ لوازم خود را مطلقاً اثبات میکنند.

۳- کدام از مسائل در علم اصول بحث میشود؟ حجیت احتمال وظن

۴-مراحل اثبات در احکام تکلیفی چیست؟ الابرار بالخطاب

۵-چرا برخلاف قطع تفضیلی درقطع اجمالی ترخیص در تمام اطراف امکان عقلی دارد؟ لان اطرافه مشکوک

۶-خبر مشخص وعادل ازیک واقعه در اصطلاح علم اصول چه نامیده می شود؟ اماره

۷-چرا شهید صدر قائل است که دائره حق اطاعة شامل متجری می شود؟ حفظاً الحرمة المولی

۸-چه خصوصیتی از خصوصیات قطع برای اصولی اهمیت بیشتری دارد؟ حجیت

۹-نظر شهید صدر در مورد جریان اصل مرخص در اطراف علم اجمالی کدام است؟ ثبوتاً جریانش در همه اطراف معقول دارد

۱۰-کدام گزینه با الاباحه بالمعنی الاعم مناسب است؟ یقصد منها عدم الزام

۱۱--کدام گزینه با عبارت اذا قطع المكلف بالتكليف وخالفه ولم يكن ثابتاً واقعا مناسب است؟ این مکلف متجری ومستحق عقاب است .

۱۲-نظر مشهور درباره لوازم غیر شرعی اماره چیست؟ مطلقاً حجت است شهید صدر بانظر مشهور موافق است

۱۳-کدام یک از احکام زیر وضعی است؟ بطلان بیع غیر بالغ

۱۴-اگر خبر محتمل الحجیه بر خکمی قائم شود در چه صورتی برای احتمال حجیت اثری مترتب است؟ در هیچ صورتی اثری ندارد

۱۵-تفاوت اساسی بین حکم ظاهری وواقعی چیست؟ فرض شک در حکم شرعی سابق

۱۶-عنصر مشترک در جمیع عملیات های استنباط حکم شرعی کدام است؟ حجیت قطع

۱۷-بنابراینکه موضوع حق طاعة تکلیف منکشف یا مجرد انکشاف باشد حکم متجری کدام است؟ یستحق العقاب علی الثانی دون الاول

۱۸-کدام گزینه بیانگر اصل عملی تنزیلی است؟ قاعده فراغ

۱۹-مرجع عامی فقیه هنگام عدم وجود دلیل محرز به آن مراجعه میکنند چیست؟ اصل عملی

۲۰-اگر دلیل محرز بر اثبات تکلیف بیاید کدام مسلک از حکم خود رفع ید می کند ؟ مشهور (قبح عقاب بلا بیان)